

مصونیت قضائی یا مجوز تداوم جنایات جنگی؟!



~
حریف حریف-آلمان

موافقت نامه مصونیت قضائی - حقوقی بحیث بخش عمده قرارداد امنیتی کابل- واشنگتن به این معنی است که پیگیری جنایات ارتكابی نظامیان امریکائی در افغانستان مطابق قوانین نافذہ کشورما مورد رسیدگی و قضائی قرار نگرفته، طوریکه ارگانهای کشف و تحقیق، تعقیب عدلی و محاکم افغانستان در مورد صلاحیت نداشته، بلکه مرتکبین جرایم به امریکا برگردانیده شده و صرف بر اساس قوانین خود شان مورد تحقیق و محاکمه قرار داده می شوند.

بخاطر پیگیری بهتر موضوع، ناگزیریم بالای مفاهیم جرم، مصونیت قضائی و انواع آن مکث نمائیم:

جرم عمل نا خواستهء اجتماعی است که در قالب های اجرای عمل مخالف قانون و یا امتناع از اجرای عمل موافق قانون ظاهر گردیده و قبل از اجرای آن، جزای در قانون نیز برای آن پیش بینی گردیده باشد، چنانچه اگر دزدی، قتل، تجاوز جنسی...، هر کدام جرم است، امتناع بدون غدر مؤجه مادر از شیر دادن به کودک نوزادش بحیث امتناع از اجرای یک مکلفیت مادری، نیز جرم محسوب می گردد.

مصونیت قضائی متنوع بوده و به ارتباط وظایف خاص چون وظایف اجتماعی، سیاسی، قضائی و نظامی مطرح می شود که در زمینه می توان از رئیس جمهور، وزرا، قضات، اعضای پارلمان، جنرالان و کارمندان سیاسی نام گرفت، طوریکه اگر دارندگان چنین وظایف خاص مرتکب جرم می شوند، بعد از طی تشریفات معین قانونی، ابتدا از وظایف شان به صورت مؤقت سبکدوش گردیده و بعداً بحیث اشخاص عادی مورد تحقیق و تعقیب عدلی واقع می شوند، بدین مفهوم که قبل از سبکدوشی مؤقت، مصونیت حقوقی و قضائی دارند.

همچنان تعقیب جرایم وظیفوی کارمندان سیاسی کشورهای خارجی در کشور میزبان مطابق قوانین نافذہ کشورهای خودشان صورت می گیرد، زیرا در چنین موارد اصل قلمرو و یا

تطبيق قانون از نظر مکان رعایت می شود، طوریکه تمام سفارتخانه ها و مراکز سیاسی، کشتی ها، هواپیما ها و پایگاه های نظامی از جمله قلمرو کشورها بوده و قوانین خودشان قابل رعایت و اجرا است، و اما اگر ارتکاب جرایم از طرف شهروندان خارجی مشغول وظیفه در محلات متذکره، در خارج از ساحه و وظیفه و علیه منافع فردی و یا اجتماعی کشور میزبان صورت میگیرد، در چنین احوال قوانین کشور میزبان مورد تطبيق قرار گرفته و مطابق آن مورد تحقیق و تعقیب قضائی واقع می شود، زیرا این اصل حقوقی جهانی است که همه کشورها مکلف به رعایت شان می باشند.

با آنچه گفته آمد، کنون بر می گردیم به اصل موضوع این مقال:

آقای کرزی طی سفر سه روزه اش به امریکا، دیدگاه های خود را به ارتباط موافقتنامه امنیتی، حمایت های مالی و نظامی امریکا و روابط دو کشور بعد از پایان سال 2014 به جانب امریکا بیان داشته و بعد از بازگشت به کابل در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی نتایج سفر خود را بخصوص در رابطه با قرارداد امنیتی چنین بیان داشت:

« امریکایی ها برای دریافت مصئونیت قضائی نظامیان خود در افغانستان اصرار دارند، اما دولت افغانستان نمی تواند در خصوص اعطای مصئونیت قضائی به نظامیان امریکائی تصمیم بگیرد، بلکه این تصمیم با ملت افغانستان است. لویه جرگه بزودی تشکیل می شود، باید تصمیم بگیرد که این مصئونیت قضائی به نظامیان امریکائی داده شود و یا خیر؟ این مصئونیت چگونه باشد؟ به کدام حد باشد؟ یا نباشد؟...»

به همین ترتیب آقای اوباما رئیس جمهور امریکا در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با همتای افغان خود در واشنگتن گفت: « نیروهای امریکائی پس از پایان ماموریت جنگی خود در سال 2014 در افغانستان نخواهند ماند، مگر آنکه دولت کابل با اعطای حق مصئونیت قضائی موافقت کند و این موضوع در توافقنامه امنیتی که دو کشور در حال بررسی آن هستند، نیز گنجانیده شود...»

طی 12 سالیکه از اشغال کشور ما می گذرد، نظامیان امریکا- ناتو بدون آنکه کدام مصئونیت قضائی تا این دم در میان بوده یا نبوده باشد، هرآنچه تجاوز و جنایت علیه مال، جان و شرف افغانها خواسته اند، انجام داده اند که اکثراً بدون غذرخواهی ساده انجامیده، چه رسد که موضوع حتی مطابق قوانین نافذ خودشان مورد پیگرد مجازاتی واقع شده باشد. امریکا بخاطر تداوم اشغال نظامی تلاش ورزید تا قرارداد امنیتی مشابه را با دولت مزدور و دست نشانده نوری مالکی در عراق که طی آن اعطای مصئونیت قضائی نیز در نظر گرفته شود، به امضا برساند که با مخالفت جدی عراقی ها روبرو شده و به صورت ظاهری مجبور به ترک عراق تا پایان سال 2011 گردیدند.

در شرایط اشغال، کشور اشغال شده نمی تواند صاحب تمامیت ارضی، حاکمیت ملی شامل استقلال سیاسی و اقتصادی باشد. در رابطه با موضوع مورد بحث نظام حقوقی و قضائی از جمله عناصر متشکله حاکمیت ملی به حساب رفته که بخش عمده آنرا تطبيق قوانین نافذ کشورها در قلمروی آن می باشد که به نام پرنسیپ تطبيق قانون در مکان مشخص و محدود آن یاد می شود. این بدان معنی است هرگاه نظامیان خارجی وقتی خارج از بارک های نظامی ویا بیرون از نظام وظیفوی شان به جنایاتی دست می زنند که امنیت و حاکمیت ملی کشور و مردم ما را صدمه می زند، از چنین امنیت و حاکمیت صرف قوانین نافذ افغانستان دفاع نموده و بانیستی مورد تطبيق قرار داده شود.

باری به ارتباط قرارداد استراتژیک که «لویه جرگه عنعنوی» تدویر یافته بود، در پایان جرگه آقای کرزی گفته بود که: « ما شیر هستیم، امریکا با شیر باید قرارداد امضا نماید، ما پادشاه جنگل هستیم و آنها اطراف جنگل را امن سازند...»

هموطنان شاهد اند که اشغالگران امریکائی در برابر مصوبه عریض و طویل بیش از هفتاد فقره ئی لویه جرگه عنعنوی، کوچکترین اعتنائی نکرده و هرآنچه خود قبل بر آن، متن قرارداد استراتژیک کابل- واشنگتن را آماده ساخته بودند، نهائی ساخته که نتایج آن وضع اسفناک اجتماعی، سیاسی، نظامی و امنیتی را بدتر ساخته است، چه رسد که «آنها اطراف جنگل را امن بسازند»، و طی کنفرانس مشترک اخیر در واشنگتن ملاحظه شد، که چگونه اوباما

این «شیر ژبان» ما را به رویای ترسو مبدل و باقیماندن نظامیان خود را در افغانستان با قید و شرط مطرح نمود و حتی برای کمک و حمایت قوای مسلح کشور الی سال 2017 را محدود ساخت و این تهدید تا آنجا جلو رفت که آقای کرزی در تنگنا قرار گرفته و این شیر بیچاره گفت که «... متیقن است که توافق مردمش را در زمینه اعطای مصئونیت قضائی حاصل می نماید.»

اشغالگران امریکا- ناتو برای دولت دست نشانده، قوای صلح بی کیفیت 350 هزار نفری را تدارک دیده که حتی پول بند کفش سربازان خود را نیز ندارد و از جانبی بحیث قوای مسلح تنظیمی و سیاسی قدرت عملیاتی و مدافعوی را دارا نبوده و با اندک فشار از درون متلاشی می شود، چنانچه قوای مسلح هر تنظیم در خارج نظام نیز مترصد اوضاع است تا چگونه هرکدام در جهت بقای شان در قدرت و ادامه جنایت و وحشیگری علیه مردم بی دفاع و بی‌نواک کشور مثل همیشه بحیث اجیران و مزدوران این و یا آن قدرت منطوقی و بین المللی به چپاول دارائی های عامه پرداخته و حتی لقمه نان بخور و نمیر مردم را نیز از ایشان ربوده و خواب را بر آنها حرام گردانند، از جانبی برای قوای اشغالگر هم این مساله مطرح نیست که چه کسی و کدام نیروی اهریمنی بحیث حکام مستبد و ظالم در قدرت باقی می ماند، آنچه با اهمیت است اینکه، چگونه منافع غارتگرانه و تجاوزکارانه شان تأمین گردد، چنانچه وقتی لازم شد امریکائیان القاعده را به قدرت رسانیدند (نمونه لیبیا).

توجه کنید به اظهارات اوباما: « ما به اهداف خود که خلع سلاح القاعده و از میان بردن توانائی آنهاست، دست یافته ایم.» به این می گویند دروغگوی بزرگ بین المللی. القاعده روز تا روز در کشورهای چون یمن، الجزایر، لیبیا، سوریه و پاکستان فعالیت های خود را گسترش می دهد، چگونه القاعده خلع سلاح شده است؟ هم چنان خبر های از دستیابی طالبان در سالهای اخیر به پیشرفته ترین سلاح ها انتشار یافته، و همچنان اینکه القاعده ثروتمند همچنان حضور فعال داشته است. این دروغ گوی بزرگ تلاش می ورزد تا هدف اصلی قصر سفید را از لشکرکشی و اشغال کشورهای جنگ زده از چشم جهانیان پنهان نگهدارد.

مصئونیت قضائی مطالبه شده اوباما برای نظامیانش به جز از قانون کاپیتولاسیون چیزی دیگری نمی تواند باشد و بر قرارداد ها اطلاق می شود که بر اساس آن شهروندان یک کشور (اشغالگر) در قلمرو دولت دیگر (اشغال شده)، مشمول قوانین کشور خود می شوند. کاپیتولاسیون شیوه حاکمیت کشور بیگانه بر کشور میزبان است، چنانچه حق قضاوت و مجازات را که بخشی از حاکمیت ملی کشور هاست، از دست می دهند و در نهایت کاپیتولاسیون، یعنی تسلیمی بدون قید و شرط کشور میزبان به دولت اشغالگر.

تجارب سالهای اشغال در کشور ما نشان داد که مصئونیت قضائی برای نظامیان امریکا- ناتو از همان اول و به صورت مشخص بعد از امضای «موافقتنامه فنی و نظامی» در سال 2003 که از طرف پارلمان جنگ سالار وقت نیز تأیید گردیده بود، داده شده بود و حتی مغایر قانون اساسی موجود که در واقعیت حیثیت کتابچه شیطان را دارد در تعقیب، گرفتاری و محبوس نمودن مخالفین دست باز داشته و با برخورد های خلاف و مغایر صراحت های اسناد حقوقی بین المللی، در حالیکه میدان جنگ جاری، کشور ما بوده است، امریکائیه با زداشتگاه های گونتنامو و بگرام را مملو از متهمین جنگی نموده و بدون رعایت حد اقل نورم های حقوق بشری سالیان متمادی آنها را در چنین بازداشتگاه ها و به صورت بی سرنوشتی نگهداری و انواع شکنجه ها غیر انسانی را بالای آنها روا داشته و هرگاه که خواسته اند به حساب معامله گری های سیاسی، به رهائی آنها اقدام نموده و در نهایت الی هم اکنون در مخالفت با پیمان استراتژیک، پروسه تسلیمی این زندانیان به جانب دولت کابل نهائی نشده است، و حتی سفیر جدید واشنگتن در کابل تهدید نمود که اگر با زندانیان بد رفتاری شود، پروسه تسلیمی زندانیان در بازداشتگاه های امریکائی را متوقف می سازند.

آیا برای امریکائی ها با جنایات گسترده ائیکه در کشور ما انجام داده اند، کدام روی خوبی باقی مانده است که لااقل از «بدرفتاری» در برابر زندانیان حرف به میان آورند؟! تاریخ تجاوز، لشکرکشی و اشغالگری امریکائیان مملو از جنایات ضد بشری است. این جانیان و ضد بشر

ها، در زیر نام دفاع از دموکراسی و حقوق بشر و مبارزه علیه تروریسم، چه وحشیگری ها و مظالم گوناگون که در حق مردم بیدفاع و بیگناه ما روا داشتند، که هموطنان ما بحیث شاهدان زنده هرگز آنرا فراموش ننموده و بحیث زخمهای خونچکان و علاج ناپذیر، طی نسلها سینه به سینه فصح خواهند شد!

آقای کرزی، اعطای مصئونیت قضائی به نظامیان امریکائی را از صلاحیت های لویه جرگه وانمود کرد. تا آنجا که تجربه نشان داده است، با حفظ آنکه مطابق قانون اساسی موجود، یک ثلث لویه جرگه که همانا رؤسای شورا های ولسوالی ها باشد، اصلاً وجود ندارد، با آنهم در همین لویه جرگه احتمالی بدون صلاحیت، چگونه ترکیبی وجود دارد؟ اینها شامل اعضای پارلمان مافیائی و جنگ سالار، اعضای حکومت تا گلو غرق در فساد، اعضای بی کفایت و رشوه خوار دادگاه عالی، والی های تریاک سالار، روسای شورا های ولایتی و ومسولین نهاد ها از همین قماش که همه و همه موجودیت خود را در موجودیت سایه اشغال و حمایت اشغالگران می بینند، چگونه می توان چشک انتظار آن بود که همین ترکیب مزدور و فروخته شده در دفاع از حاکمیت ملی در برابر خواست امریکای جهانخواار ایستادگی نموده و به تقاضای اعطای مصئونیت قضائی جواب رد بدهند؟! که هرگز نه!

از قبل یک مساله روشن است که لویه جرگه احتمالی و یا کدام نهاد دیگر تصمیم گیرنده همان حرفی را تأیید و تصویب می نماید، که قبل از تدویر لویه جرگه تهیه و تدارک دیده شده و مثل همیشه لویه جرگه های دستوری و قلابی با مصارف کمرشکن و گزاف و با پُر نمودن جیب ها و شکم های خود بنا بر اینکه هیچگونه نمایندگی واقعی از مردم افغانستان ندارند، مصوبه قبلاً تدارک دیده شده مُهر می نمایند و به این ترتیب در ردیف سایر جفا ها علیه وطن و مردم ما اینبار نیز مرتکب جنایت عظیم تاریخی خواهند شد که درج کارنامه های سیاه و شوم شان می شود.

اینها صرف به عمر ننگین خویش ادامه داده و نیروهای اشغالگر به تداوم جنایات شان مشغول می شوند، چنانچه از ابتدای تجاوز و اشغال در سال 2001 بر مبنای همین مصئونیت قضائی بار ها اخباری از تجاوز نیروهای امریکائی بر زنان و دختران، قتل عام مردم بیگناه و شب هنگام در بسترهای خواب شان، بمباردمان های محافل خوشی و جرگه های مردم و حتی نیروهای پولیس و اردوی افغان، شکنجه های غیر انسانی و ضد کرامت بشری، بد رفتاری علیه زندانیان تا سرحد مرگ و غرق ساختن مصنوعی و استعمال بوتل و یا چوب «بیس بال» در معقد آنها، قطع رابطه های عادی شان با خانواده ها و حتی کارمندان صلیب سرخ بین المللی، شاشیدن بر روی اجساد و قربانیان جنگ، توهین اجساد مرده ها تا سرحد گرفتن عکس های یادگاری، حتک حرمت به مقدسات اسلامی چون سوختاندن کتاب مقدس مسلمانان و انداختن آن در زباله دان و یا تشناب، و....، عنوان های درشت وسایل ارتباط جمعی را تا همین اکنون تشکیل می دهد.

اینکه همه موارد ذکر شده و مشابه آن حاکمیت ملی کشور و مردم را شدیداً نقض نموده، سردمدار و قوماندان نیروهای اشغالگر یعنی اوباما در مصاحبه مشترک با حامد کرزی در واشنگتن صریحاً اعتراف نموده است، طوریکه باراک اوباما، لحظه خروج سربازان امریکائی از افغانستان را به عنوان یک لحظه تاریخی یاد کرده و آنرا «گامی به سمت استقلال و تمامیت ارضی افغانستان» بر شمرد و اما نگفت که باقی ماندن الی 20 هزار از نظامیان اش بعد از سال 2014 به چه معنی است؟ البته که این خود تجاوز و مداخله شدید نظامی علیه حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان بحساب رفته و قصر سفید با جابجائی این تعداد نظامیان در پایگاه های دایمی اش که قرار معلوم حد اقل در پنج ولایت افغانستان که با مصرف بیست میلیارد دالر تدارک دیده شده، از خاک کشورما بحیث تخته خیز تجاوز علیه همسایگان و کنترل بر منابع سرشار زیر زمینی منطقه و معادن کشور و منجمله داشتن کنترل بر دولتمردان کشور، استفاده صورت می گیرد.

در نهایت قربانی تمام این جنایات وحشیانه اشغالگران، در هر دو طرف جنگ عمدتاً مردم بیگناه، جنگ دیده و بیدفاع کشور ما می باشند و بس.

دست اشغالگران متجاوز و مزدوران فروخته شده از سرنوشت مردم کشورما کوتاه!